

خبر

توضیح اشکان خطیبی درباره دلیل کم‌رنگ شدن حضورش در تلویزیون

بخش فرهنگی – اشکان خطیبی درباره کم‌رنگ شدن حضورش به عنوان مجری یا بازیگر در تلویزیون صحبت کرد و گفت این رسانه باید سعی کند از مخاطب خود جا نماند.

اشکان خطیبی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون درباره اینکه خیلی وقت است در تلویزیون حضور ندارد، گفت: من دیگر کمتر فرصتی برای بازیگری در تلویزیون دارم و سعی می کنم انتخاب شده‌تر حرکت کنم و حتی سعی می کنم خیلی از پیشنهادها را کنار بگذارم.

وی که آخرین بار با مسابقه لبانگ در برنامه «خندوانه» شبکه نسیم حضور یافت در این‌باره توضیح داد: شبکه «نسیم» از نظر من شبیه دیگر بخش‌های تلویزیون نیست و به همین دلیل با آن همکاری کردم. لازم است به این موضوع اشاره کنم که یک رسانه آنهم به وسعت تلویزیون نباید از مخاطبش عقب‌تر باشد و به اعتقاد من انرژی گذاشتن برای رسانه ای که از مردمش عقب است کار درستی نیست.

بازیگر فیلم «سینمانیمکت» ساخته محمد رحمانیان ادامه داد: خود من هر زمان در تلویزیون حضور داشتم سعی کردم کمی جلوتر از آنچه که روند رویتن تلویزیون بوده است، حرکت کنم، اما اکنون فکر می کنم یک اعتقاد جمعی که به این رسانه وجود داشته از بین رفته است. اطمینان اصلی ترین سرمایه رسانه است و زمانیکه از دست برود شاید چند دهه طول بکشد تا بتوان آن را برگرداند. تلویزیون باید هم پای زمان پیش برود تا بتواند این مخاطبان را بازگرداند.



اجرای کنسرت های موسیقایی

خطیبی همچنین درباره اجرای کنسرت های موسیقایی عنوان کرد: من به همراه علی بیرنگ و سهیل دانش قرار است کنسرت هایی داشته باشیم که به نوعی پرفورمنس موسیقی خواهد بود و تا چند ماه آینده به وقوع می پیوندد.

این بازیگر تئاتر درباره دیگر فعالیت های این روزهایش عنوان کرد: اکنون نمایش «موسیو ابراهیم» به کارگردانی علیرضا کوشک جلالی را روی صحنه داریم و همچنین کمپین اوتیسم را راه اندازی کرده ایم و این کمپین به شکل عجیبی یک بار دیگر به من ثابت کرد که رسالت اجتماعی هنرمندان و یا افراد شناخته شده بسیار جلوتر از حرکت های دولتمردان است.

مشارکت بالای مردم در کمپین اوتیسم

وی اظهار کرد: مشارکت مردم در این کمپین بی نظیر بوده است و من فکر می کنم آنها به ما اعتماد کرده اند؛ اعتمادی که البته خلل پذیر است و اگر یک بار اشتباه صورت بگیرد قطعا دفعات بعدی این اعتماد متقابل وجود ندارد. این بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر عنوان کرد: این اعتماد فقط مربوط به هنرمندان نیست و میزان جایگاه اجتماعی که برای چهره های ادبی، فرهنگی و حتی اجتماعی وجود دارد باعث می شود مردم این حس اعتماد را برایشان قابل باشند و امیدوارم بتوان از این ظرفیت ها برای کمک به بیماری های خاص استفاده کرد.

این بازیگر در پایان برای ادامه دار بودن این کمپین ها یادآور شد: به نظرم لازم است که نهادهای مرتبط پیگیری های لازم را داشته باشند. خود من برای برگزاری اولین جلسه کمپین اوتیسم حدود سه ماه وقت گذاشتم. انجمن اوتیسم داشت خانه ای را که محل امید خانواده های مبتلا بود از دست می داد و لازم بود برایشان کاری شود.

{فرهنگ و هنر}

چرا «چارلز دیکنز» هرگز تمام نمی‌شود؟

التحصیلی در یک دفتر وکالت شغلی به دست آورد. در همین دوران بود که نگاه تیزبین خود را به جامعه نوین شهرنشین انگلستان دوخت و کوشید در هیئت یک روزنامه نگار به گزارش مشاهدات خود بپردازد.

به همین دلیل نویسندگانی مانند دیکنز دست به کار شدند و در غیاب حضور جامعه شناسان و روانشناسان حرفه ای و جدی شروع کردند به وصف و نقد شرایط حاکم بر جامعه شان. دیکنز که سابقه روزنامه نگاری داشت و گزارش نویسی قهار بود، این گزارش ها را به موقعیت های دراماتیک و داستانی مسلح کرد و تاثیرگذارترین تصاویر از مناسبات شهرنشینی عصر ویکتوریا را در قالب آثار خود به دنیا هدیه داد؛ بنابراین یکی از دلایل این را که دیکنز هرگز تمام نمی شود باید لابلای همین حرف ها جستجو کنیم.



سرود کریسمس را دیگر همه باید بشناسند زیرا نسخه انیمیشن دیسنی از این رمان را دیده اند و شخصیت مشهور «اسکروج» را

می شناسند. اسکروج در کارتون دیسنی همان اردک پول پرستی است که نم پس نمی دهد و «میکی ماوس» بیچاره را به بیگاری می کشد و یک شب روح شریک مرحومش را در خواب می بیند و زندگی اش تغییر می کند. کتاب را گرفتیم و درجا خواندیمش و حظی بردیم وافر.

دیکنز تمام نمی شود؛ کهنه نمی شود، از مد نمی افتد؛ اما چرا؟ چرا چارلز دیکنز از معدود نویسنده های تاریخ ادبیات جهان است که انتشار آثارش هرگز متوقف نشده، همیشه خواننده داشته و تقریباً زبانی رسمی را در دنیا نمی توان یافت که ترجمه آثار دیکنز به آن زبان موجود نباشد؟ چرا فروش رمان «داستان دو شهر» هنوز هم در جهان نخستین رقیب رمان «شازده کوچولو» به حساب می آید؟ بد نیست از اینجا شروع کنیم که دیکنز در سال ۱۸۱۳ در انگلستان به دنیا آمد و اوج کار نویسندگی اش در «عصر ویکتوریا» بود؛ عصر ویکتوریا هم دوران عجیبی بوده است. ملکه ویکتوریا بر تخت سلطنت نشسته بود و صنایع به شدت در اروپا در حال پیشرفت بودند و امپراتوری بریتانیا هم در اکتاف دنیا برای خودش مستعمره داشت و ابرقدرتی انکارناپذیر بود اما این تحول اجتماعی اقتصادی و سیاسی برای همگان یک تجربه خوشایند محسوب نمی شد.

پدر دیکنز کارمند کشتریانی انگلستان بود و مردی دائم الخمر. او در این دوران به شدت مفروض شد و به زندان افتاد. «چارلز» خردسال مجبور شد برای کمک به تأمین معاش خانواده در کارخانه تولید واکس مشغول به کار شود. دیکنز پس از آزادی پدرش توانست دوباره به مدرسه بازگردد و تحصیل را از سر بگیرد و بعد از فارغ

قالبی فرشته وار به تصویر می کشد؛ بنابراین دلیل دیگر محبوبیت و همیشه خواندنی بودن آثارش همین است.

الگوهای آشنای او برای قصه گویی، تاریخ انقضا ندارند. تا دنیا دنیا بوده همین بوده و تا دنیا باشد همین خواهد بود. شهرها چهره عوض می کنند، دنیای مدرن از منظر طبقاتی و مناسبات حاکم بر آن تغییر می کند، شکل گفتار و ظاهر آدم ها عوض می شود؛ اما مفهوم انسانیت و الگوی زشتی و زیبایی کردار آدمی همچنان همان است که دیکنز به تصویر می کشد. تصویری که گاه همانند «اسکروج» به شدت اغراق شده و اکسپرسیونیستی و گاه مانند «چارلز دارن» در «داستان دو شهر»، یک نجیب زاده است که در سفری میان لندن و پاریس به تحولی عاطفی و معنوی دست می یابد.

نکته دیگر این است که دیکنز مانند نویسندگانی که کمابیش با او هم‌دوره هستند، فقط حرف نمی زند، تحلیل می کند. نه اینکه

مقاله اخلاقی و موعظه در داستانش بگنجاند. او به ما موقعیت های نوعی بشر را نشان می دهد و در این راه در بیشتر رمان های بزرگش اول به تاثیر محیط تربیت و ژنتیک در سرنوشت آدمی توجه می کند (چیزی که امروزه آن را با عنوان ناتوراالیسم می شناسیم). برای نمونه تولد الیور را در نوانخانه نشان می دهد و نظام استبدادی و سنگدلانه حاکم بر پرورشگاه را با پیپ تیمم را زیر سلطه خواهر خشن و قیم هولناکش به تصویر می کشد و خاستگاه او را در روند زندگی اش دخیل می داند.

■ ■ ■

نکته دیگری که همیشه در آثار دیکنز دیده می شود، توجه به اخلاق و روانکاوی آدم هاست. او همیشه در داستان هایش یک مکانیسم قوی برای تنش میان خیر و شر، گناه و ثواب و انصاف و بیدادگری به کار می گیرد و آدم های باورپذیر و به دقت شخصیت پردازی شده اش را در میان چرخ دنده های این مکانیسم به فراز و فرود می رساند. این استاد شخصیت پردازی با نگاهی واقع گرایانه تصویری از «انسان» را در

گرفت و گیرهای روانی، عصبی و اخلاقی به نمایش می گذارد که از هر جهت تصویری کامل است. قهرمان های دیکنز هیچ کدام خارق العاده نیستند؛ ضعف دارند، اشتباه می کنند، فریب می خورند، عقده های شان همه جا با آنهاست و مرتکب گناه هم می شوند. این میزان از نگاه واقع گرایانه را شاید در آثار هیچ نویسنده دیگری نتوان یافت. ضمن اینکه آدم های او – با تمام ضعف ها و قوت هایشان – اهل مبارزه اند. دیوید کارپفیلد و الیور و پیپ تسلیم تقدیر نمی شوند و به هر دری می زنند تا موقعیت خود را تغییر دهند و به جایگاه ارزشمندتری برسند. دیکنز به قهرمان های خودش پاداش تلاش شان را می دهد؛ کمتر پیش می آید که اثری از او پابانی تلخ

و اسفبار داشته باشد. او می خواهد بگوید مبارزه اخلاقی و گریز از چهل و نیکوکاری در همین دنیا ثمره خواهد داد و چیزی که ناپود می شود، جماعت بدسگالانی هستند که به رنج و گناه تن درداه اند؛ بنابراین باز می توان دلایل دیگری برای بقای آثار دیکنز یافت. او در قصه هایش قهرمان دارد و قهرمان هایش آدم هایی معمولی هستند و در چالش هایی درگیر می شوند که هنوز همه ما با آنها درگیر هستیم؛ آنها مبارزه می کنند و نتیجه مبارزه شان را می گیرند. چنان که آرمان و آرزوی هر انسانی همین است (یا امیدواریم همین باشد). در عین حال داستان های دیکنز انتقادی است و سرشار از

شبکه های معنایی پیچیده؛ آدم از یک داستان و داستان نویس چه انتظار دیگری می تواند داشته باشد؟

واکنش تند محسن چاوشی به شایعات حضور در «سنستوری ۲»

غفوریان سپس نظرش را درباره موفقیت مه‌ران مدیری مدیری و رضا عطاران در ساخت سریال‌های تلویزیونی، اینچنین بیان کرد: «به نظرم مه‌ران مدیری سریال ساز بهتری است و خیلی در این زمینه تجربه دارد. در مقابل رضا خودش می‌گوید من آدم سریال هر شبی ساختن نیستم. من به شدت کم‌دی رتال عطاران را دوست دارم.»

این بازیگر کم‌دی درباره ماجرای آشنایی‌اش با رضا عطاران توضیح داد: «از زمانی که ساعت خوش را کار می کرد و خیلی معروف شده بود، با او آشنا شدم، بعد هم یک برنامه ترکیبی از بازیگران دو گروه ساخته شد که آنجا با عطاران رفیق شدم.»

در ادامه برنامه، غفوریان درباره سریال «زیر آسمان شهر» گفت: «چون برنامه‌هایی که ساخته بودم با استقبال خوبی روبه‌رو شده بودند، تلویزیون با من یک قرارداد بست تا یک کاری تولید کنم و خودم نیز تهیه‌کننده باشم. من به سراغ رضا عطاران رفتم و گفتم می‌خواهم کاری بسازم که خیلی سروصدا کند. رضا هم قبول کرد و چندماه مدام درگیر نوشتن متن کار بودیم و رضا خیلی برای کار زحمت کشید و همه کاراکترها را او خلق کرد. رضا عطاران خالق زیر آسمان شهر است.»

او ادامه داد: «کارگردانی فنی و تدوین کار به عهده مهدی مظلومی بود و در فصل دوم سریال رضا کمتر همراهان بود و می‌گفت که دیگر نمی‌تواند بنویسد و معزش از داخل درد می‌کند. این شایعاتی که مطرح بود باهم اختلاف داشتیم اصلا درست نبود.»

غفوریان سپس نظرش را درباره موفقیت مه‌ران مدیری مدیری و رضا عطاران در ساخت سریال‌های تلویزیونی، اینچنین بیان کرد: «به نظرم مه‌ران مدیری سریال ساز بهتری است و خیلی در این زمینه تجربه دارد. در مقابل رضا خودش می‌گوید من آدم سریال هر شبی ساختن نیستم. من به شدت کم‌دی رتال عطاران را دوست دارم.»

این بازیگر کم‌دی درباره ماجرای آشنایی‌اش با رضا عطاران توضیح داد: «از زمانی که ساعت خوش را کار می کرد و خیلی معروف شده بود، با او آشنا شدم، بعد هم یک برنامه ترکیبی از بازیگران دو گروه ساخته شد که آنجا با عطاران رفیق شدم.»

در ادامه برنامه، غفوریان درباره سریال «زیر آسمان شهر» گفت: «چون برنامه‌هایی که ساخته بودم با استقبال خوبی روبه‌رو شده بودند، تلویزیون با من یک قرارداد بست تا یک کاری تولید کنم و خودم نیز تهیه‌کننده باشم. من به سراغ رضا عطاران رفتم و گفتم می‌خواهم کاری بسازم که خیلی سروصدا کند. رضا هم قبول کرد و چندماه مدام درگیر نوشتن متن کار بودیم و رضا خیلی برای کار زحمت کشید و همه کاراکترها را او خلق کرد. رضا عطاران خالق زیر آسمان شهر است.»

شنبه ۶ آذر ماه ۱۳۹۵

خبر

مه‌ران غفوریان از شایعات اختلافش با رضا عطاران گفت

در نوجوانی تپل بودم و بچه‌ها من را با اکبر عبدی مقایسه می‌کردند

بخش فرهنگی – مه‌ران غفوریان با حضور در برنامه اینترنتی «۳۵» از چگونگی شروع فعالیت هنری‌اش در سینما و تلویزیون و آشنایی‌اش با رضا عطاران و مه‌ران مدیری گفت.

به گزارش خبرآنلاین، برنامه اینترنتی «۳۵» با اجرای فریدون جبرانی که شامگاه چهارشنبه سوم آذر در دسترس کاربران قرار گرفت، میزبان مه‌ران غفوریان، بازیگر طنز سینما و تلویزیون بود.

غفوریان در ابتدا درباره تپل بودن خود در کودکی گفت: «من وقتی به دنیا آمدم شش کیلو بودم و چون عکس‌هایش مربوط به دوران قبل انقلاب است و لباس زیادی به تن نداشتم، قابل پخش نیست.»

او درباره علاقه‌اش به تئاتر در دوران کودکی توضیح داد: «آن زمان بیشتر به درآمد تئاتر فکر می‌کردم، یادم هست با جعبه های پفک صحنه نمایش عروسکی درست می‌کردم و برای هر نمایش دو تومان می‌گرفتم.»

غفوریان درمورد فیلم‌ها و سریال‌های مورد علاقه‌اش گفت: «عاشق فیلم‌های اکشن مخصوصا رمبو و راکی بودم، وقتی وارد هنرستان شدم به سمت بازیگری گرایش پیدا کردم. «باز مدرسه‌ام دیر شد» را خیلی دوست داشتم و به دلیل اینکه تپل بودم من را به آقای عبدی تشبیه می‌کردند.»

او از اولین تجربه بازیگری‌اش در تلویزیونی گفت: «اولین بار برای سریال «آیتم ۳۹» تست دادم که درایوش کاردان و مه‌رداد خسروی به صورت مشترک کارگردانی آن را به عهده داشتند که خوشبختانه قبول شدم.»

غفوریان ادامه داد: «من به مدت چهارماه سر صحنه می‌رفتم، گریم می‌شدم ولی به من نقش نمی‌دادند، حسین رفیعی، بیژن بنفشه‌خواه و رحمان سیفی آزاد از همه بیشتر بازی می‌کردند. تا اینکه یکی از آیتم‌ها را خیلی خوب بازی کردم و بعد از آن نقش من در آیتم‌ها بیشتر شد.»

او سپس درباره اولین تجربه کارگردانی‌اش گفت: «من «گل‌های ۷۷» را برای عید همان سال ساختم و امیرحسین مدرس اجرای آن را برعهده داشت و رضا عطاران هم متن کارها را می‌نوشت. جواد رضویان، ارژنگ امیرفضلی و بیژن بنفشه‌خواه هم در بخش نمایشی بازی می‌کردند.»

این بازیگر کم‌دی درباره ماجرای آشنایی‌اش با رضا عطاران توضیح داد: «از زمانی که ساعت خوش را کار می کرد و خیلی معروف شده بود، با او آشنا شدم، بعد هم یک برنامه ترکیبی از بازیگران دو گروه ساخته شد که آنجا با عطاران رفیق شدم.»

در ادامه برنامه، غفوریان درباره سریال «زیر آسمان شهر» گفت: «چون برنامه‌هایی که ساخته بودم با استقبال خوبی روبه‌رو شده بودند، تلویزیون با من یک قرارداد بست تا یک کاری تولید کنم و خودم نیز تهیه‌کننده باشم. من به سراغ رضا عطاران رفتم و گفتم می‌خواهم کاری بسازم که خیلی سروصدا کند. رضا هم قبول کرد و چندماه مدام درگیر نوشتن متن کار بودیم و رضا خیلی برای کار زحمت کشید و همه کاراکترها را او خلق کرد. رضا عطاران خالق زیر آسمان شهر است.»

او ادامه داد: «کارگردانی فنی و تدوین کار به عهده مهدی مظلومی بود و در فصل دوم سریال رضا کمتر همراهان بود و می‌گفت که دیگر نمی‌تواند بنویسد و معزش از داخل درد می‌کند. این شایعاتی که مطرح بود باهم اختلاف داشتیم اصلا درست نبود.»

غفوریان سپس نظرش را درباره موفقیت مه‌ران مدیری مدیری و رضا عطاران در ساخت سریال‌های تلویزیونی، اینچنین بیان کرد: «به نظرم مه‌ران مدیری سریال ساز بهتری است و خیلی در این زمینه تجربه دارد. در مقابل رضا خودش می‌گوید من آدم سریال هر شبی ساختن نیستم. من به شدت کم‌دی رتال عطاران را دوست دارم.»

این بازیگر کم‌دی درباره ماجرای آشنایی‌اش با رضا عطاران توضیح داد: «از زمانی که ساعت خوش را کار می کرد و خیلی معروف شده بود، با او آشنا شدم، بعد هم یک برنامه ترکیبی از بازیگران دو گروه ساخته شد که آنجا با عطاران رفیق شدم.»

در ادامه برنامه، غفوریان درباره سریال «زیر آسمان شهر» گفت: «چون برنامه‌هایی که ساخته بودم با استقبال خوبی روبه‌رو شده بودند، تلویزیون با من یک قرارداد بست تا یک کاری تولید کنم و خودم نیز تهیه‌کننده باشم. من به سراغ رضا عطاران رفتم و گفتم می‌خواهم کاری بسازم که خیلی سروصدا کند. رضا هم قبول کرد و چندماه مدام درگیر نوشتن متن کار بودیم و رضا خیلی برای کار زحمت کشید و همه کاراکترها را او خلق کرد. رضا عطاران خالق زیر آسمان شهر است.»

او ادامه داد: «کارگردانی فنی و تدوین کار به عهده مهدی مظلومی بود و در فصل دوم سریال رضا کمتر همراهان بود و می‌گفت که دیگر نمی‌تواند بنویسد و معزش از داخل درد می‌کند. این شایعاتی که مطرح بود باهم اختلاف داشتیم اصلا درست نبود.»

غفوریان سپس نظرش را درباره موفقیت مه‌ران مدیری مدیری و رضا عطاران در ساخت سریال‌های تلویزیونی، اینچنین بیان کرد: «به نظرم مه‌ران مدیری سریال ساز بهتری است و خیلی در این زمینه تجربه دارد. در مقابل رضا خودش می‌گوید من آدم سریال هر شبی ساختن نیستم. من به شدت کم‌دی رتال عطاران را دوست دارم.»

این بازیگر کم‌دی درباره ماجرای آشنایی‌اش با رضا عطاران توضیح داد: «از زمانی که ساعت خوش را کار می کرد و خیلی معروف شده بود، با او آشنا شدم، بعد هم یک برنامه ترکیبی از بازیگران دو گروه ساخته شد که آنجا با عطاران رفیق شدم.»

در ادامه برنامه، غفوریان درباره سریال «زیر آسمان شهر» گفت: «چون برنامه‌هایی که ساخته بودم با استقبال خوبی روبه‌رو شده بودند، تلویزیون با من یک قرارداد بست تا یک کاری تولید کنم و خودم نیز تهیه‌کننده باشم. من به سراغ رضا عطاران رفتم و گفتم می‌خواهم کاری بسازم که خیلی سروصدا کند. رضا هم قبول کرد و چندماه مدام درگیر نوشتن متن کار بودیم و رضا خیلی برای کار زحمت کشید و همه کاراکترها را او خلق کرد. رضا عطاران خالق زیر آسمان شهر است.»